



سید محمد جعفری  
زینب قدوسی زاده  
سید علی فقیه موسوی

«طبیعت انسان چیزی نیست که من آرزویش را داشته باشم»  
خلاصه داستان

«The Artifice Girl» در اتاقی بسیار کوچک، تاریک و بدون پنجره شروع می شود، جایی که مردی به نام گرت را برای بازجویی آورده اند. موضوع یک پروژه در حال انجام است که برای مبارزه با گسترش پدوفیل ها و شکارچیان که به صورت آنلاین فعالیت می کنند، طراحی شده است.

گرت بعد از کمی مقاومت بالاخره پرده از راز خود بر می دارد و از گذشته خود می گوید؛ از اتفاقاتی که باعث شد تصمیم بگیرد نبوغ برنامه نویسی خود را به سمت شکار شکارچیان سوق دهد. برای این منظور، او یک موجودیت هوش مصنوعی چند بعدی با نام «چری» ایجاد کرده است، یک مدل دیجیتال بسیار دقیق که ظاهر و صدایی شبیه یک دختر بلوند آمریکایی ۱۱ ساله دارد. او طعمه‌ای است که شکارچیان کودک را در سراسر جهان جذب می کند و با جمع آوری شواهدی بر علیه آنها، شکارچیان را به دام می اندازد.

فیلم در سه پرده روایت می شود و داستانش را در گذر زمان و تنها با سه شخصیت انسان و یک هوش مصنوعی تعریف می کند.

«Human nature, is not something I aspire to»

این روزها همه جا صحبت از هوش مصنوعی است. مشکلات حل نشدنی در حال حل شدن هستند. افرادی که هیچ دانشی از کدنویسی یا طراحی ندارند، به کمک AI و در عرض چند ثانیه وبسایت می سازند و طرح های هنری شگفت انگیز خلق می کنند. شرکت های بزرگ نیز در حال سرمایه گذاری های چند میلیارد دلاری در پروژه های هوش مصنوعی هستند. بنابراین جای تعجب نیست که نویسندگان و فیلمسازان مدام داستان های مرتبط با آن را ارائه می دهند.

طی سال های اخیر، بیشتر فیلم هایی که در حوزه هوش مصنوعی ساخته شده به روی تاریخ این تکنولوژی و خطرات احتمالی آن برای نسل بشر پرداخته اند. اما The Artifice Girl شاید یکی از متفاوت ترین آثار این حوزه باشد. این فیلم هوش مصنوعی را معرفی می کند که لزوماً مخرب یا به دنبال انتقام گرفتن از انسانها نیست. این هوش مصنوعی در واقع می خواهد کمک کند، کارهای خوبی انجام دهد و تأثیر مثبتی بر جهان بگذارد.

The Artifice Girl  
دختر مصنوعی

IMDB: ۶,۶/۱۰ Rotten Tomatoes: ۹۱/۱۰۰

ژانر: علمی تخیلی، هیجان انگیز

کارگردان: فرانکلین ریچ Franklin Ritch

بازیگران اصلی: تیتوم متیوز Tatum

Mathews, سیندا نیکولز Sinda Nichols,

لنس هنریکسون lance henriksen

سال ساخت: ۲۰۲۲



تیزر رسمی فیلم

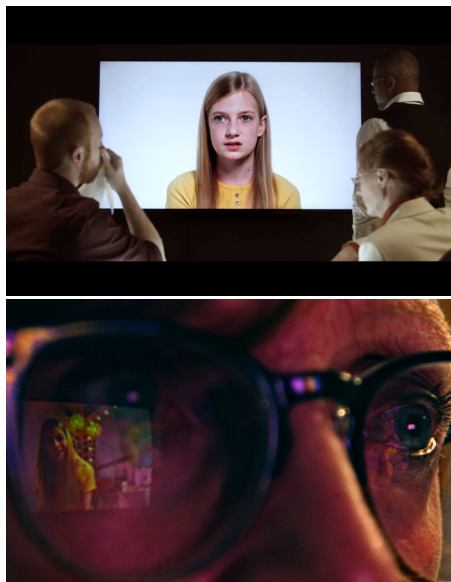


## سیر خسته کننده

فیلم به اندازه کافی جالب شروع شد، کل آن مصاحبه و ایده استفاده از هوش مصنوعی به عنوان طعمه، مخاطب را به دنبال ادامه داستان می‌کشاند؛ اما پس از آن، چیز زیادی برای افزودن نداشت. این فیلم با توجه به ایده جالبی که مطرح می‌کند پتانسیل بسیار زیادی برای جذب مخاطب و پیش بردن هر چه هیجان انگیز تر داستان خود دارد؛ اما فیلمنامه عمدتاً شامل مکالمات طولانی و خسته کننده است و با اینکه نمایش تقریباً تا نیمه راه در مسیر خوبی قرار داشت، سپس شروع به از دست دادن شتاب خود کرد و روایت به تدریج کمتر و کمتر جذاب شد. «دختر مصنوعی» اساساً ۱.۵ ساعت گفتگو است. فکر می‌کنم این فیلم را بدون تصویر هم می‌توان دید و به نظر نمی‌رسد چیز مهمی را از دست داده باشید!

## شتر، گاو، پلنگ

هیچ توازنی بین سه برهه داستانی به وجود نیامده بود. تمرکز بیش از اندازه بر بخش اول و نپرداختن درست به دو بخش دیگر فیلم را سردرگم نشان میداد. کارگردان هم انگار نمی‌دانست که چه می‌خواهد بگوید. شاید استفاده بهینه تر از صحنه، جلوگیری کردن از زیاده گویی بازیگران، و از طرف دیگر تمرکز بیشتر بر موضوع اصلی می‌توانست قدری به فیلم انسجام ببخشد. فیلم در نهایت نه تنها مخاطب را درگیر خود نمی‌کرد بلکه وی را به طور کامل گیج می‌کرد.



«دختر مصنوعی» حول یک بحث بسیار رایج متمرکز است، و برخی مفاهیم مرتبط با هوش مصنوعی را به خوبی برای مخاطب شفاف سازی می‌کند.

این فیلم نشان می‌دهد که «هوش مصنوعی خودآموز» به چه معناست. چطور شروع به یادگیری و تحلیل داده ها می‌کند و به نتایجی حتی فراتر از انتظار سازنده خود می‌رسد. همچنین یکی از عناصر اصلی توضیح داده شده در فیلم مفهوم «هدف اولیه» است که به عنوان آخرین دفاع در برابر از دست دادن کنترل بر هوش مصنوعی اعمال می‌شود. اگر یک «هدف اولیه» وجود نداشت، یک ابرهوش مصنوعی اراده آزاد داشت و می‌توانست در مسیری که برای او تعریف نشده گام بردارد. کارگردان مباحث پایه‌ای و اولیه هوش مصنوعی را می‌داند و همچون یک مهندس به شرح کارکرد تکنولوژی مورد ارائه می‌پردازد.

## نقاط ضعف

### بنویسید فیلم بخوانید تئاتر

فیلم به شکل کاملاً مختصر در سه مکان ارائه شده بود. به گونه ای که هر پرده از فیلم صرفاً شامل یک موقعیت بود. محدود بودن بازیگران و نوع دیالوگ ها و چینش صحنه عملاً ما را به سمت و سوی تماشای تئاتر می‌برد تا تماشای فیلم. این امر زمانی که کارگردان بخواهد جنبه هنری کار را افزایش دهد قابل قبول است اما در این فیلم قرار بر دیدن یک فیلم بود که موقعیت هایش هیچ شبیه فیلم نبودند. شاید اگر این فیلم تحت عنوان یک فیلم کوتاه ساخته می‌شد نتیجه بهتری داشت.

### بی مزه و کاملاً رژیم

احساسات خود را بفرستید مرخصی چون قرار نیست که اصلاً تحریک شوند. فیلم به طور کلی فاقد هرگونه چاشنی با طعم احساس بود. شاید اگر اندکی درام وارد داستان می‌شد نتیجه خیلی دلنشین تر می‌شد. در برخی سکانس ها البته کارگردان خواسته بود به سراغ احساسات مخاطب برود ولی انگار بلد نبود. نوع بروز، دیالوگ‌ها، دعواها اختلاف‌ها و ... بازیگران نیز بیش از حد اغراق شده و غیر طبیعی بود که این امر تاثیر بسزایی در عدم

## ایده اولیه جالب است!

ایده اولیه فیلم بسیار جالب است. فریب دادن شکارچیان بیمار به وسیله یک دختر هوش مصنوعی یک فیلم علمی تخیلی که پیش فرض جذابی دارد و رفته رفته به مخاطب پیشرفت هوش مصنوعی و نحوه فیزیکی شدنش را نشان می‌دهد. کار به جایی می‌رسد که آن دختر هوش مصنوعی با کمک پردازش اطلاعات، اکنون توانایی درک احساسات را دارد و همین باعث پیچ و خم هایی در مسیر داستان می‌شود. (اما به نظر می‌رسد فیلم به خوبی نتوانسته این ایده را پیاده سازی کند و در نهایت، به نتیجه درستی هم نمی‌رسد.)

## هوش مصنوعی ترش و شیرین

در روزگاری که بخش عظیمی از گفتگوها پیرامون خطرات هوش مصنوعی برای نسل بشر است، و سینما نیز این جنبه از این تکنولوژی را در کانون توجهات قرار داده، این فیلم بر جنبه احساسی قضیه دست میگذارد و هوش مصنوعی را نه دشمن انسان، بلکه همراهش در دنیا می‌داند. جفت بودن اخلاق با احساسات باعث درگیر شدن مخاطب و ایجاد سوال در ذهن او می‌شود. یکی دیگر از جنبه‌های جالب داستان علاقه پیدا کردن چری به هنر است، چرا که انتظار داریم یک ابرهوش خیلی علاقه به کاری سوای حل مسائل نداشته باشد، اما فیلم میخواهد از قدرت هنر نیز پرده بردارد و آن را نیز به عنوان یک مسئله پیچیده ارائه دهد. حتی چری آن را یک مرحله از تکامل خود میداند و درک احساسات بدون تجربه هنر را درکی ناقص می‌شمارد. البته که پیوند هنر و هوش مصنوعی را در فیلم‌هایی مانند Ex Machina هم دیده‌ایم، اما آنجا بیشتر به عنوان یک قابلیت ساده از آن استفاده شده بود و نه انتقال احساسات.

## بازی Tatum Matthews

بازی بازیگران، در فیلم خیلی چنگی به دل نمی‌زد. در این بین اما یک استثنا وجود داشت و آن Tatum Matthews بازیگر نقش چری (دختر مصنوعی) بود. او به خوبی توانسته بود احساسات و تناقضات یک هوش مصنوعی انسان نما را نشان دهد. با وجود بازی او بود که اندکی چری باور پذیر شده بود.